

## اهمیت نقش زنان روستایی در تأمین امنیت غذایی و معیشت پایدار خانوار

شیمای زارعی<sup>۱</sup>، روح اله رضایی<sup>۲</sup>

زنجان، کیلومتر ۵ جاده تبریز، دانشگاه زنجان، خوابگاه فاطمیه ۵

Zareei.shima@gmail.com

## چکیده

زنان روستایی قشری زحمتکش و فعالند که در واقع به‌عنوان نیروی عمده برای ایجاد تحول، منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستا و افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد تولیدات مواد غذایی مطرح می‌باشند. با وجود نقش و سهم مهم این قشر از جامعه جهت تأمین مواد غذایی در جهان، اغلب در راهبردهای توسعه مورد کم توجهی یا بی‌توجهی قرار گرفته و متأسفانه در اکثر کشورها به فراموشی سپرده شده‌اند. هدف مقاله حاضر این است که نقش زنان روستایی را به عنوان یکی از ارکان کلیدی در راستای تحقق راهبردها و تأمین امنیت غذایی و معیشت پایدار مورد بررسی قرار دهد. روش مورد استفاده به منظور گردآوری مطالب، استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی و مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اهمیت حیاتی نقش زنان روستایی در کمک به تأمین امنیت غذایی به میزان وسیعی شناخته‌شده و غیر قابل انکار می‌باشد. زنان روستایی باید به سطحی از توانمندی دست یابند که بتوانند با استفاده از قدرت خلاقیت، انعطاف پذیری و اطلاعاتی که در زمینه تنوع زیستی و بومی شان دارند، سیستم‌های تولید پایدار را به شیوه‌ای مبتکرانه در زمینه افزایش تولید مواد غذایی به کار بگیرند. دیگر اینکه دو عامل آموزش و اطلاع رسانی به زنان روستایی در تداوم امنیت غذایی و معیشت پایدار خانوارهای روستایی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند و به طور کلی هر تلاش دیگری نیز در جهت از میان برداشتن موانع موجود، می‌تواند شرایطی را فراهم آورد که راه دستیابی و دسترسی زنان به منابع تولید، افزایش حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، کاهش فشار کاری، بالا بردن امکان دسترسی به اشتغال و درآمد هموارتر شود و بدین ترتیب اسباب تأمین امنیت غذایی و تحقق معیشت پایدار به مرور زمان فراهم گردد.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، امنیت غذایی، معیشت پایدار.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه زنجان

۲- استادیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی دانشگاه زنجان

## ۱- مقدمه

در سراسر جهان زنان به عنوان رکن اساسی واحدهای تولیدی، همواره مطرح بوده‌اند و ساختار خانواده بدون حضور آن‌ها، فاقد پایداری است (FAO, 2011). در کشورهای در حال توسعه، کشاورزی کوچک‌مقیاس وابسته به فعالیت زنان می‌باشد به گونه‌ای که در کنار مسئولیت‌های کار در مزارع، فعالیت‌های روزانه در خانواده را بر عهده دارند (دوتاداس، ۱۳۷۹:۷۷). بسیار مهم است که نقش ممتاز زنان در معیشت به رسمیت شناخته‌شده و مورد بررسی قرار گیرد چراکه زنان نقش کلیدی، به‌خصوص در مواقع بحرانی و در تضمین سلامت و امنیت غذایی ایفا می‌کنند و می‌توان با اطمینان ادعان داشت که دوسوم غذای جهان را زنان تولید می‌کنند و به‌طور کلی ۵۰ تا ۶۰ درصد نیروی کار کشاورزی را تأمین می‌نمایند، هرچند در تولید برخی محصولات، این میزان تا ۸۰ درصد هم می‌رسد (FAO, 2011). زنان روستایی در تمامی فعالیت‌های روزانه اعم از کشاورزی، دامداری، تولید لبنیات، فرش، گلیم، شال‌بافی، نخ، حصیر، چادر، هیزم، پرورش ماکیان، ظروف و صنایع دستی و ... همپای مردان علاوه بر امور خانه‌داری، همسر داری و بچه‌داری سهیم می‌باشند و از این بابت نصیبی منطبق با تلاش و فعالیت خود به دست نمی‌آورند، به طوری که با وجود نقش و سهم مهم این قشر، در راهبردهای توسعه اغلب مورد کم‌توجهی یا بی-توجهی قرار گرفته و متأسفانه در اکثر کشورها به فراموشی سپرده شده‌اند (مرادی، ۱۳۸۸: ۱۴).

## ۲- زنان و توسعه روستایی

توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها به‌ویژه کشورهای در حال رشد بر هیچ‌کس پوشیده نیست و به باور کارشناسان، تحقق این مهم بیش از هر چیز در گرو توسعه منابع انسانی است. با توجه به نقش و اهمیت عامل نیروی انسانی در توسعه و لزوم استفاده بهینه از این منبع تجدید شدنی به نحوی که هم تخصیص کارایی صورت گیرد، هم مزرعه‌دار بتواند از امکانات، توانایی‌ها و استعداد بالقوه نیروی کار بهره‌برداری کند، ضرورت دارد زمینه لازم برای این مهم تدارک دیده و سازمان داده شود (میرزایی و شهیدی، ۱۳۸۶: ۷). بدیهی است که توسعه مستلزم توجه به نقش زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت دنیا در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد و توسعه روستایی نیز از این امر مستثنی نیست. سهم زنان روستایی به‌عنوان نیمی از جمعیت روستاها نه فقط در فعالیت‌های خانگی بلکه در فعالیت‌های بیرون از خانه، در مزارع و در حیطه‌های کشاورزی و دامداری نیز کاملاً مشهود است (لهاسایی زاده، جهانگیری و خواجه‌نوری، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

در طراحی بسیاری از برنامه‌های توسعه این‌گونه فرض شده است که مردان نان‌آور و سرپرست خانوار هستند و زنان فقط به‌عنوان همسران آن‌ها می‌باشند، همچنین فرض شده است که توسعه بر مردان و زنان به یک اندازه تأثیر می‌گذارد و همان‌طور که منجر به بهبود وضعیت زندگی مردان می‌شود، می‌تواند منجر به بهبود وضعیت زندگی زنان نیز بشود، غافل از این‌که منافع مردان همواره موجب شده است تقریباً تمام ثروت گیتی در اختیار آن‌ها قرار گیرد و مواهب زندگی اجتماعی به سود آن‌ها انباشت شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۶۹). زنان با انجام فعالیت در درون و بیرون از منزل نقش مهمی در رسیدن به توسعه پایدار روستایی بر عهده دارند و عدم توجه به نقش قابل توجه آن‌ها در برنامه‌های توسعه به شکست و ناکارآمدی برنامه‌ها منجر می‌شود (الوانی و ضرغامی فرد، ۱۳۸۰: ۶۴).

زنان روستایی بخش عظیمی از نیروی کار کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهند، به نحوی که سهم آنان در نیروی کار کشورهای جهان سوم به دلیل سنتی بودن ساختار تولید و روابط کار، بیشتر از مردان و همچنین بیشتر از زنان و مردان کشورهای توسعه یافته است (Torres, 1989:37). بر اساس سند ارائه‌شده در سی و هفتمین اجلاس فائو که تیرماه ۱۳۹۰ در

کشور ایتالیا برگزار شد، نقش زنان در کشاورزی و بازار کار در کشورهای در حال توسعه، ۴۳ درصد نیروی کار اعلام شد. این آمار از ۲۰ درصد در ایالات متحده تا ۵۰ درصد در آسیا و آفریقا در نوسان است. زنان در فعالیتهای مربوط به دام و طیور نقش فعالی دارند و بر اساس اطلاعات موجود تا ۱۲ درصد از فعالیت مربوط به آبزیان، توسط زنان انجام می‌شود؛ این نسبت در هند و چین بین ۲۱ تا ۲۴ درصد است (FAO, 2011). زنان نقش و مشارکت قابل توجهی در فعالیتهای کشاورزی به‌ویژه در زمینه تولید مواد غذایی دارند و از گروه‌های موجود و مؤثر در روستا هستند که علاوه بر سهم حدود چهل درصدی که از فعالیتهای انجام‌یافته در زمینه کشاورزی دارند، نود درصد فعالیت‌ها در زمینه صنایع دستی نیز توسط آنها انجام می‌شود. مشارکت در فعالیتهای تولیدی محصولات زراعی، نگهداری دام و طیور، بازاریابی و فروش محصولات، صنایع دستی و خانگی قالبی، تبدیل و عمل‌آوری محصولات دامی و زراعی، فعالیتهای اجتماعی، همسرداری و مدیریت زندگی از جمله نقش‌های متعدد زنان روستایی می‌باشد (میرزایی و شهیدی، ۱۳۸۶: ۳). به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که زنان روستایی قشری زحمتکش و فعال‌اند که در واقع به‌عنوان نیروی عمده برای ایجاد تحول، منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستا، افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد تولیدات مواد غذایی و توسعه همه‌جانبه روستا در اقصی نقاط مناطق روستایی جهان مطرح می‌باشند.

### ۳- امنیت غذایی

سازمان ملل متحد در سال (۱۹۷۵) امنیت غذایی را عبارت از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به‌منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات نامطلوب نوسانات تولید و قیمت غذا، تعریف کرد. سپس سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد<sup>۱</sup> امنیت غذایی را اطمینان از این‌که همه مردم در همه اوقات به غذاهای اصلی مورد نیاز خویش دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند، عنوان نمود. در نهایت بانک جهانی (۱۹۸۶) امنیت غذایی را، دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات به‌منظور یک زندگی سالم و فعال، تعریف نمود. این تعریف تا به امروز بیشتر از سایر تعاریف مورد استقبال قرار گرفته و مطلوب‌تر انگاشته شده است. اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶، در آخرین تعریف مورد توافق شرکت‌کنندگان بیان می‌دارد، امنیت غذایی آنگاه وجود دارد که همه مردم در تمامی ایام به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس نیازهای یک رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم سازد (سازمان تحقیقات سیاست‌های جهانی غذا، ۱۳۷۶: ۲۳).

برای تأمین امنیت غذایی سه عنصر مواد غذایی (تولید پایدار)، دسترسی به آن و استفاده از آن برای تغذیه امری ضروری است. معمولاً دولت‌ها سعی می‌کنند که امنیت غذایی مردم جامعه را در سطوح مختلفی برقرار نمایند، که شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱) سطح ملی و منطقه‌ای: دولت‌ها در این سطح به برقراری امنیت غذایی برای جمعیت ملی به‌منظور رفع نیازهای این جمعیت تمایل بیشتری دارند. در این سطح، امنیت غذایی در سطح کلان جمعیتی ایجاد و برقرار می‌شود.
- ۲) سطح خانوادگی و فردی: هدف در این سطح، برآوردن نیازهای غذایی خانواده‌ها و اعضای آنها است. عواملی همچون بازار مواد غذایی، قیمت‌ها، شبکه‌های حمل‌ونقل، تسهیلات انبارداری و ... بر امنیت غذایی خانواده‌ها و افراد تأثیر می‌گذارند (Chen and kates, 1994: 196).

<sup>۱</sup> FAO

تأمین امنیت غذایی در سطح ملی و منطقه‌ای به معنای وجود امنیت در سطح خانواده و افراد نیست: زیرا ممکن است غذا به‌طور عادلانه در بین خانواده‌ها و اشخاص توزیع نشده باشد (سازمان تحقیقات سیاست‌های جهانی غذا، ۱۳۷۶). امنیت تغذیه‌ای، زمانی اتفاق می‌افتد که اعضای خانوار نه تنها به غذا بلکه از مراقبت‌های بهداشتی، بهداشت فردی و محیطی نیز برخوردار باشند؛ برای رسیدن به امنیت تغذیه‌ای، امنیت غذایی لازم است ولی کافی نیست (FAO, 1990).

### ۳-۱- امنیت غذایی پایدار

ایجاد امنیت غذایی به‌منظور حفظ سلامت و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی از ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت است. برای رهایی از چنگال فقر، گرسنگی و سوءتغذیه بسیج مادی و معنوی هدف‌دار و همگانی جامعه جهانی لازم است و وظیفه اجلاس و سازمان‌های بین‌المللی و تخصصی کمک به شناخت عوامل محدودکننده توسعه پایدار، تبیین راهبردهای عملی، اخلاقی، شکستن انحصارها در زمینه دانش فنی، تولید کافی مواد غذایی و توزیع عادلانه آن‌ها در سراسر جهان است تا پایداری امنیت غذایی جامعه بشری تأمین گردد (شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۰: ۳۴). امنیت غذایی پایدار تنها با اتکاء به تولید کالاهای کشاورزی و محصولات دامی در داخل کشور تأمین نمی‌شود و چه‌بسا مزیت نسبی در تولید برخی از اقلام اساسی به لحاظ شرایط زیست‌محیطی و ... وجود نداشته باشد یا تأمین کل نیاز جامعه میسر نگردد. از این رو واردات مواد غذایی اساسی به‌منظور تأمین نیازهای جامعه امری ضروری است. چه‌بسا صرفه‌جویی در هزینه واردات این اقلام منجر به سوءتغذیه حاد (پروتئین و انرژی) در مردم به‌ویژه کودکان و نوجوانان گردد و نه تنها هزینه‌های درمانی و بهداشتی را افزایش می‌دهد، بلکه بر قدرت و توانایی جسمی و فکری افراد جامعه که نیروی اصلی توسعه پایدار اقتصادی تلقی می‌شوند، اثر منفی می‌گذارد. با این وصف فرهنگ‌سازی، پیروی از الگوی صحیح تغذیه و تأمین نیازهای اساسی یک وظیفه ملی تلقی می‌شود (پیشوایی و فردین، ۱۳۸۰: ۱۸). بنابراین تضمین پایداری امنیت غذایی مستلزم افزایش تولید و تداوم آن می‌باشد. امروزه تولیدی پایدار و افتخارآفرین است که با کمترین هزینه و سرمایه‌گذاری و بالاترین بهره‌وری و بازده و کمترین ضایعات همراه باشد.

### ۳-۲- عوامل مؤثر در پایداری امنیت غذایی

توجه به موارد زیر دستیابی به امنیت غذایی پایدار را تضمین می‌کند.

۱- افزایش تولید مواد غذایی

به‌منظور افزایش در تولید مواد غذایی اقدامات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- ۱) افزایش سطح زیر کشت،
- ۲) افزایش بازده در واحد سطح،
- ۳) تدارک آسان‌تر عوامل تولید،
- ۴) تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی که توجه به آن‌ها یک امر مهم در این مسیر تلقی می‌گردد،
- ۵) استفاده از نهاده‌های پربازده،
- ۶) تغییر الگوی کشت به سمت تولید برای بازار،
- ۷) منطقه‌ای و یکپارچه کردن کشت،

- ۸) اصلاح روش‌های آبیاری مانند (استفاده از آبیاری تحت فشار جهت جلوگیری از فرسایش خاک)،  
 ۹) بازاریابی محصولات کشاورزی،  
 ۱۰) استفاده از تناوب کشت،  
 ۱۱) کاهش سموم  
 ۲- جلوگیری از ضایعات محصولات کشاورزی (عمادزاده و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۱۳).

بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در ایران نشان داده است که زنان در جوامع روستایی نقش کلیدی در تولید و اقتصاد کشاورزی ایفا می‌کنند. بر همین اساس در برخی از مناطق زنان ثابت‌ترین عضو خانوار روستایی به شمار می‌آیند و با مهاجرت مرد خانوار برای یافتن فرصت‌های شغلی و با به دست گرفتن سرپرستی خانوار نقش مهم‌تری را در این راستا بر عهده می‌گیرند (آگهی، ۱۳۸۴: ۵۲).

#### ۴- زنان روستایی و امنیت غذایی پایدار

بدون تردید دستیابی به امنیت غذایی پایدار مستلزم توسعه کشاورزی و توسعه روستایی در کشور است. از آنجاکه بیشترین منابع پایه تولید (آب و خاک) در حیطه فعالیت روستاییان مورد استفاده قرار می‌گیرد به همین دلیل امنیت غذایی و در نهایت امنیت ملی کشور از این محل در گرو بهره‌برداری اصولی و احیای منابع پایه تولید است (خضری، ۱۳۸۲: ۶۲). در این میان نقش زنان در تأمین امنیت غذایی انکارناپذیر است. آنان در تأمین امنیت غذایی و تغذیه‌ای نقش بسیار مهمی دارند. آن‌ها کشاورزانی هستند که اغلب محصولات غذایی کشت می‌کنند و به موازات تولید محصولات غذایی، با همکاری مردان خانوار تولیدات تجاری هم دارند که منشأ کسب درآمد برای آن‌ها می‌شود. شواهد نشان می‌دهد وقتی زنان درآمد داشته باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که این درآمد صرف تهیه غذا و تأمین نیازهای فرزندان بشود. به‌طور معمول انتخاب نوع غذا و نحوه تهیه آن، تأمین سلامت و تغذیه فرزندان به عهده زنان است؛ بنابراین زنان در تأمین امنیت غذایی خانوار نقش کلیدی دارند (FAO, 2011). بر اساس سند ارائه شده در سی و هفتمین اجلاس فائو، شواهد موجود در آفریقا و آسیا نشان می‌دهد که وقتی جایگاه زنان در خانواده ارتقا می‌یابد و در تصمیم‌گیری برای هزینه کرد مشارکت پیدا می‌کنند، درآمد بیشتری را به غذا، بهداشت، آموزش و پوشاک فرزندان اختصاص می‌دهند (FAO, 2011). به‌طوری‌که گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد خانوارهای فقیری که با سرپرستی زنان اداره می‌شوند در تأمین امنیت تغذیه‌ای موفق‌تر از خانوارهایی هستند که با سرپرستی مردان اداره می‌شوند. این امر اهمیت نقش و جایگاه افراد و آگاهی‌های متناسب با آن را در تأمین امنیت غذایی نشان می‌دهد. افرادی که آگاهی‌های لازم را درباره تأمین غذا داشته باشند، امکان ندارد بتوانند غذای موجود را در جهت تأمین امنیت تغذیه‌ای به کار بگیرند (World Bank, 2009).

اهمیت حیاتی نقش زنان روستایی در کمک به تأمین امنیت غذایی به میزان وسیعی شناخته شده و غیرقابل انکار است. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، زنان تکیه‌گاه اصلی نیروی کار در مزرعه، درآمد خانواده و کشاورزی معیشتی به حساب می‌آیند و در بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با آماده‌سازی، نگهداری و فرآوری مواد غذایی و امور مربوط به نگهداری از دام‌ها نقش عمده و اساسی ایفا می‌نمایند. با وجود اینکه زنان به‌عنوان یکی از عوامل نامشهود در اقتصاد کشاورزی محسوب می‌شوند لیکن سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی را در سطح جهان تشکیل می‌دهند (موحدی، ۱۳۸۱: ۵). فعالیت‌های روزمره زنان، در امور کشاورزی، ماهیگیری، جنگلداری، فرآوری و بازاریابی مواد غذایی، حاکی از لزوم حضور زنان در

## اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

تولیدات روستایی می‌باشد. از طرف دیگر فعالیت تولیدی زنان روستایی و درآمد حاصل از آن، سبب کاهش شکاف بین خانواده شهری و روستایی از نظر سطح درآمد شده و یکی از اهداف توسعه روستایی عملی می‌گردد. علاوه بر این، موجب افزایش بهره‌گیری خانواده از خدمات بهداشتی و تغذیه بهتر آنان می‌شود. بنابراین نقش زنان روستایی، در تأمین امنیت غذایی و تداوم آن از دو جنبه قابل توجه است: نخست نقشی که به اقتضای محیط زندگی و الگوی معیشت خانوار در تولید مواد غذایی دارند و دوم، نقشی که به‌عنوان مادر یا بانوی خانه در تنظیم برنامه غذایی و تهیه غذا و توزیع آن بین اعضای خانوار ایفا می‌کنند (صدیقی، ۱۳۷۷: ۱۴۹). در حقیقت آنان باید بتوانند با استفاده از قدرت خلاقیت، انعطاف‌پذیری و اطلاعاتی که در زمینه تنوع زیستی و بومی‌شان دارند، سیستم‌های تولید پایدار را به شیوه‌ای مبتکرانه در زمینه مواد غذایی به کار می‌گیرند (شمس، ۱۳۷۷: ۲۳). خدمات زنان در تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی خانواده‌ها در هر کشوری متفاوت است. اما در بسیاری از کشورها کمک‌های زنان بسیار زیاد می‌باشد. آنان در بعضی از کشورها وظایف سخت و تکراری در تمام طول سال را انجام می‌دهند (FAO, 1990).

توسعه روستایی و توسعه کشاورزی اگرچه کاملاً همسان نیستند ولی ارتباط بسیاری دارند و از الزامات و شرایط مشابهی برخوردارند. به موازات توجه به نقش زنان در توسعه کشاورزی در سال‌های اخیر، نقش و تأثیر آن‌ها در روند توسعه روستایی و مهم‌تر از همه حفظ و بقای خانوار روستایی بیش‌ازپیش آشکار شد. آن چنانکه بانک جهانی و فائو در کتاب جنسیت و کشاورزی گزارش کرده‌اند، ترکیب خانوار روستایی در نتیجه شیوع بیماری‌هایی مانند ایدز به‌طور قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده است. با مرگ‌ومیر جوانان و افراد بالغ، مزارع به دست فرزندان و سالمندان افتاده و نیز با افزایش موج مهاجرت ناشی از فقر و بلایای طبیعی یا خشونت‌های محلی، چشم‌انداز جامعه روستایی دگرگون شده است. در مناطق مختلف مردان بیشتر از زنان احتمال دارد که خانه و کاشانه و کار کشاورزی را برای کسب درآمد بیشتر در سایر بخش‌های اقتصادی رها کنند؛ در چنین شرایطی زنان خانواده با انبوهی از مسئولیت در بخش کشاورزی و بدون هیچ حمایت قانونی و حق مالکیت بر آنچه بر روی آن کار می‌کنند، در روستا می‌مانند. روند تغییرات در بخش کشاورزی، فرصت‌های جدیدی برای تأمین معیشت و امنیت غذایی ایجاد کرد اما زنان کمتر توانستند از این فرصت‌ها بهره‌مند شوند. معمولاً تولیدکنندگان کوچک و فقیر که اتفاقاً زنان نیز از همین دسته هستند قدرت رقابت با تولیدکنندگان بزرگ را ندارند. جهانی‌شدن و مبادله آزاد تجاری نیز برای افرادی که به منابع و اطلاعات بیشتری دسترسی دارند، فرصت‌های بهتری برای رشد و توسعه فراهم می‌کند و گروه‌های کوچک و کم درآمدی مانند زنان برای دسترسی به امکاناتی که جهانی‌شدن فراهم کرده است، هیچ شانس ندارند (World Bank, 2009).

## ۳-۳- موانع و مشکلات پیش روی زنان

امروزه برنامه‌ریزان بین‌المللی به‌طور فزاینده‌ای به نقش چندگانه زنان در اجتماع به‌عنوان همسر، مادر، مدیر منزل، کارگر، کشاورز و غیره توجه نموده‌اند. این واقعیت بر هیچ‌کس پوشیده نیست که بدون در نظر گرفتن زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، دستیابی به توسعه واقعی میسر نخواهد شد. با پذیرش این باور، زنان فقط گیرندگان منفعل خدمات نبوده، بلکه باید شرکت‌کننده و تصمیم‌گیرنده باشند تا بتوانند فعالیت‌های سازنده‌ای در برنامه‌ها و پروژه‌ها داشته باشند. باید دانست این کوشش‌ها برای امتیاز دادن به زنان نیست بلکه برای توسعه واقعی اجتماع و نهایتاً تساوی و تواناسازی زنان و مردان است (دفتر امور زنان ریاست جمهوری و یونیسف، ۱۳۷۲). عدم آگاهی و درک صحیح از نقش زنان به‌عنوان تولیدکننده و تأمین‌کننده نیازهای خانواده از سوی کنفرانس جهانی اصلاحات اراضی و توسعه روستایی به‌عنوان یکی از موانع اصلی و

## اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

اساسی در زمینه اجرا و پیشبرد راهبردهای مربوط به بهبود و افزایش مشارکت زنان ذکر شده است (میرزایی و شهیدی، ۱۳۸۶: ۸). امروزه تبعیض علیه زنان به وسیله کشورهای کمتر توسعه یافته تشدید شده است. نوع فعالیت‌های کشاورزی زنان بسیار کاربر است و زنان روستایی عموماً از منافع فن‌آوری‌های جدید منتفع نمی‌شوند، دستمزد آن‌ها غالباً کمتر از مردان است زیرا تصور می‌شود که کارایی نیروی کار زن در مقایسه با مردان کمتر است، در جوامع روستایی زنان و مردان مشارکت متفاوتی در فرایند اخذ تصمیم دارند، در خصوص مالکیت زمین، زنان از حقوق برابری برخوردار نیستند، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که بیشتر تولید، فرآوری، انبارداری (ذخیره‌سازی) و تهیه مواد غذایی تنها توسط زنان انجام می‌شود. از دیگر عوامل و پارامترهایی که مانع فعالیت عمده و اساسی زنان روستایی در تأمین تغذیه و تداوم تولیدات بخش کشاورزی می‌شود می‌توان به:

- محدودیت در دسترسی به فرصت‌های آموزشی از قبیل خدمات ترویجی، خدمات مشاوره‌ای و اطلاعات فنی؛
- محدودیت در دسترسی به منابع تولید مانند دام، زمین و تکنولوژی‌های ساده؛
- محدودیت فرصت‌های اشتغال در بخش کشاورزی؛
- فقدان مهارت‌های فنی؛
- ضعف قدرت مالی زنان روستایی؛
- پنهان بودن نقش مهم زنان روستایی در تولید بخش کشاورزی؛
- فقدان امنیت شغلی و ... اشاره نمود (Abdel Aal, 2002: 3).
- نرخ بالای بی‌سوادی و استانداردهای پایین زندگی در میان زنان روستایی؛
- عدم مشارکت کافی در امور نهادی و اقتصادی تعاونی‌های کشاورزی؛
- وجود موانع سنتی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی؛
- کمبود فرصت‌ها و امکانات؛
- مهاجرت مردان به شهرها و فشار افزون کاری بر زنان روستایی؛
- کمبود فرصت‌ها جهت بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان کشاورز.

## ۴- معیشت پایدار

معیشت پایدار یک رهیافت است برای فقرزدایی. در رهیافت معیشت پایدار بهتر شدن وضعیت مالی فقرا در کانون توجه قرار می‌گیرد. در این حالت دانشی که فقرا از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند و منابعی که در دسترس دارند، همین‌طور معیشتی که با آن گذران زندگی می‌کنند دارایی‌های فقرا محسوب می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد. در رهیافت معیشت پایدار کمک می‌شود تا معیشت بر پایه نظامات موجود بنا شود. نظاماتی که باعث می‌شود که علیرغم دسترسی محدودتر به منابع، فقرا همچنان قادر به ادامه حیات باشند (Helmore and Singh, 2001: 16)

اساس توسعه انسانی و توسعه اقتصادی بر معیشت استوار است. معیشت چیزی بیشتر از شغل است. معیشت شامل همه کارهایی می‌شود که افراد انجام می‌دهند تا گذران زندگی کنند. دانستن عناصر تشکیل‌دهنده معیشت کمک می‌کند تا با معیشتی که مولد است و پایدار است بهتر آشنا شویم. معیشت بر عناصری که در ادامه می‌آید استوار است:

## اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

**فعالیت‌ها:** شبیه کاری که در بخش رسمی یا غیررسمی انجام می‌دهند.

**دارایی‌ها:** دارایی‌ها را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد. سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، سرمایه طبیعی و سرمایه‌های انسان‌ساز.

سرمایه انسانی: شامل مهارت‌ها، دانش، خلاقیت و استراتژی‌های سازگار  
 سرمایه اجتماعی: ساختار حاکمیت، قدرت تصمیم‌سازی، جامعه و نهادهای جامعه و رهیافت‌های مشارکتی  
 سرمایه طبیعی: زمین، آب، هوا و منابع طبیعی مثل جنگل‌ها و پوشش گیاهی  
 سرمایه انسان‌ساز: ساختمان‌ها، راه‌ها، ماشین‌آلات و محصولات کشاورزی و احشام  
**نهادهای حمایتی:** حمایتی که توسط خانواده ارائه می‌شود، حقوقی که قانون اساسی بر عهده دولت و سایر نهادها می‌گذارد، تأمین اجتماعی و غیره

**مکانیسم‌های کوتاه‌مدت برای انطباق با شرایط:** مثل زمان بروز استرس و فشار زیاد  
**استراتژی‌های سازگار:** تغییرات بلند مدتی که مردم در معیشتشان ایجاد می‌کنند تا به وضعیت‌های دشوار غلبه کنند.  
 استراتژی‌های سازگار نقطه‌ی ورود به رهیافت‌های معیشت پایدار است (Helmore and Singh, 2001: 29).

## ۴-۱- پایداری

پایداری شاخص کلیدی برای موفقیت است. پروژه‌هایی که به توانمندسازی افراد و ارتقای معیشت می‌پردازند شانس بیشتری برای دوام دارند تا پروژه‌هایی که شامل کمک‌های مستقیم به افراد فقیر است و به‌طور عمده به کمک‌های ارائه‌دهندگان کمک وابسته هستند و با کاهش منابعی که از طرف اهداءکننده می‌آید محو می‌شوند.  
 رهیافت معیشت پایدار ظرفیت آن را دارد تا پایداری را تضمین کند. به دلیل آنکه این رهیافت علاقه دارد تا به موضوعات مربوط به معیشت به‌طور عمقی نگاه کند، این رهیافت به توانمندسازی افراد و جوامع اعتقاد دارد و بر پایه‌ی ارتباط بین مردم و دستگاه‌های فعال در توسعه بنا شده است. این رهیافت توزیع‌کننده کمک مستقیم نیست. این رهیافت به‌اصطلاح تلاش دارد تا ماهیگیری را به مردم بیاموزد به‌جای آنکه ماهی صیدشده توسط دیگران را توزیع کند و برای مشکلات موجود راه‌حل‌های پایدار طراحی می‌کند تبدیل کند.

برای اینکه یک سامانه معیشتی پایدار باشد با شرایط ادامه را داشته باشد:

- ۱- از نظر اقتصادی کارآمد باشد یعنی اینکه ریخت‌وپاش نکند.
- ۲- باید به اصول اخلاقی عدالت اجتماعی مبتنی باشد. به‌عبارت‌دیگر معیشت یک خانواده نباید جلوی معیشت سایر افراد در جامعه را بگیرد.
- ۳- باید بر اساس یکپارچگی زیست بومی استوار باشد. یعنی از نظر زیست‌محیطی به‌گونه‌ای نباشد که باعث از بین رفتن منابع برای سایرین و نسل‌های بعدی شود.
- ۴- باید انعطاف‌پذیر باشد. خودش را با شرایط استرس‌زای محیطی وفق دهد (Helmore and Singh, 2001: 33).



## ۵- زنان روستایی، امنیت غذایی و معیشت پایدار

شواهد بسیار زیادی در دنیا وجود دارد که نشان می‌دهد زنان روستایی نقش حیاتی در معیشت پایدار خانوار و امنیت غذایی جامعه داشته‌اند (دوتاداس، ۱۳۷۹: ۲۷؛ Helmore and Singh, 2001:2). نقش زنان روستایی، در تأمین امنیت غذایی و تداوم آن از دو جنبه قابل توجه است: نخست نقشی که به اقتضای محیط زندگی و الگوی معیشت خانوار در تولید مواد غذایی دارند و دوم نقشی که به‌عنوان مادر یا کدبانوی خانه در تنظیم برنامه غذایی و تهیه غذا و توزیع آن بین اعضای خانوار ایفا می‌کنند (صدیقی، ۱۳۷۷: ۱۵۵). در حقیقت آنان با استفاده از قدرت خلاقیت، انعطاف‌پذیری و اطلاعاتی که در زمینه تنوع زیستی و بومی‌شان دارند، سیستم‌های تولید پایدار را به شیوه‌ای مبتکرانه در زمینه مواد غذایی به کار می‌گیرند (شمس، ۱۳۷۷: ۲۳).

پی بردن به این نکته که زنان محور اصلی توسعه کشور هستند اهمیت بسیاری دارد. زیرا مسئولیت زنان به‌گونه‌ای است که بیشتر بر روی اقتصاد غیر پولی جوامع روستایی تأکید دارند و این عمل را با پرورش نسل بعد، مدیریت امور خانه و کشاورزی معیشتی و آماده کردن نیروی انسانی به انجام می‌رسانند. اگرچه نباید این نکته را فراموش کنیم که نقش آن‌ها در امور تولیدی کشاورزی نیز بسیار زیاد بوده ولی همواره به‌صورت نیروی کار پنهان مطرح بوده‌اند و در حاشیه قرار گرفته‌اند و مطمئناً نیروی پرزحمت و بدون مزد جوامع روستایی را تشکیل می‌دهند که بدون وجود آن‌ها و تلاششان قطعاً جوامع روستایی در فقر مطلق فرو خواهند رفت (فنی، ۱۳۷۶: ۴۴). علاوه بر نادیده گرفتن سهم زنان در تولید، محدودیت زنان در دسترسی به خدمات اعتباری، سپرده‌گذاری‌ها و سایر خدمات و منابع مولد به‌وضوح قابل تشخیص است. همچنین، با افزایش موج مهاجرت ناشی از فقر و بلایای طبیعی یا خشونت‌های محلی، چشم‌انداز جامعه روستایی به‌کل دگرگون شده و در مناطق مختلف احتمال این وجود دارد که مردان خانه و کاشانه و کار کشاورزی را برای کسب درآمد بیشتر در سایر بخش‌های اقتصادی رها کنند. در چنین شرایطی زنان خانواده با انبوهی از مسئولیت و بدون هیچ حمایت قانونی و حتی حق مالکیت بر آنچه، که بر روی آن کار می‌کنند، در روستا می‌مانند باینکه روند تغییرات در بخش کشاورزی، فرصت‌های جدیدی برای تأمین معیشت و امنیت غذایی ایجاد کرد اما زنان کمتر توانسته‌اند از این فرصت‌ها بهره‌مند شوند (علیرضائزاد و بنی‌هاشم، ۱۳۹۱: ۸۶). به طور کلی، ازجمله مسائلی را که می‌توان در رابطه با میزان مشارکت زنان روستایی در اقتصاد خانواده‌ها و متعاقباً معیشت خانوارها موردتوجه قرارداد موارد زیر را شامل می‌شود: سطح اقتصادی خانواده، پایگاه اجتماعی زنان (ازلحاظ مثلاً میزان تحصیلات زنان و میزان سنت‌گرایی آن‌ها)، موقعیت قدرتی زنان، سطح آگاهی فرهنگی مردان و عوامل دیگری همچون سن زنان، وضعیت تأهل، اعتماد به دیگران، بعد خانوار، فضای حیاتی و نگرش زنان به نقششان در جامعه (لهاسایی زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

مطالعات انجام‌یافته پیرامون نقش زنان روستایی در پایداری امنیت غذایی حاکی از آن است که دو عامل آموزش و اطلاع‌رسانی و اتخاذ سیاست‌های حمایتی و نتایج حاصل از آن‌ها نقش عمده‌ای در تداوم امنیت غذایی و معیشت پایدار خانوارهای روستایی ایفا می‌کنند (براتی و یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲۸). شایان ذکر است در بسیاری از کشورها با تأسیس نهادها و سازمان‌هایی که خود را متعهد به تلاش در جهت ترقی و پیشرفت زنان می‌دانند، درصدد از بین بردن آن دسته از موانع قانونی هستند که اجازه نمی‌دهند زنان در فعالیت‌ها و منافع حاصل از توسعه به‌خصوص در بخش کشاورزی به‌اندازه مردان شریک و سهیم باشند، ازجمله موانعی که فعالیت مشارکتی زنان در کشاورزی را به تعویق می‌اندازد و منجر به عدم پایداری امنیت غذایی می‌گردد شامل دسترسی محدود به فرصت‌های آموزشی از قبیل (خدمات ترویجی، خدمات مشاوره‌ای و اطلاعات فنی)

و دارائی‌های مهمی از قبیل زمین و اعتبارات و نیز کمبود مهارت می‌باشد. بنابراین با از میان برداشتن این موانع می‌توان شرایطی را فراهم آورد که راه دستیابی و دسترسی زنان به منابع تولید، افزایش حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، کاهش فشار کاری، بالا بردن امکان دسترسی به اشتغال و درآمد هموارتر شود. اتخاذ سیاست‌های مطلوب و مداخله‌های مناسب برای بهره‌وری بیشتر کار زنان در بخش کشاورزی و به‌خصوص به‌منظور تولید مواد غذایی ضروری حداقل برای افراد خانوار در روستاها حائز اهمیت است و به‌خوبی می‌توان از طریق افزایش تولید و کاهش ضایعات به‌وسیله زنان، دسترسی جامعه را به غذا افزایش داد. در این صورت سیاست‌ها باید به نحوی طراحی شوند که اگر متضمن تأمین مایحتاج غذایی کشور هستند، متضمن تأمین امکانات تولید، رفاه، برابری، کارایی، تواناسازی، زدودن فقر اطلاعاتی از جامعه زنان روستایی نیز باشند. ازجمله سیاست‌هایی که منجر به افزایش عرضه محصولات توسط زنان فعال در بخش کشاورزی می‌شود عبارت‌اند از ایجاد صندوق‌های در گردش و افزایش تخصیص اعتبارات کوتاه و بلندمدت به آنان (دینی ترکمانی، ۱۳۷۷: ۳۴).

## ۶- نتیجه‌گیری

دانش و رفتار تغذیه‌ای به هنگام گزینش، آماده‌سازی و توزیع غذا در بین افراد خانوار، از عوامل کلیدی امنیت غذایی هستند. استفاده مؤثر از امکانات اقتصادی خانوار، برای ایجاد جامعه‌ای سالم و سازنده، به دانش و رفتار مناسب در سطح خانوار بستگی دارد. این دانش عنصر لازم و اساسی در رفتارهای ارتقای سلامت، عادات و رویه‌های سالم غذایی، مراقبت کافی از کودکان، انتخاب غذاهای مناسب و به‌موقع، مدیریت صحیح بودجه خانوار و مشارکت در امور کنترل ضایعات غذایی است. که در تمام این موارد نقش زنان روستایی محرز و توجه به آن امری بسیار حیاتی و ویژه می‌باشد که معمولاً نادیده انگاشته می‌شود. بسیار مهم است که نقش ممتاز زنان و چالش‌های پیش روی زنان در معیشت ذکر شود چراکه در واقع قدرت سازندگی و خلاقیت در زنان باید از طریق بهبود توانمندی‌های آن‌ها به‌گونه‌ای افزایش یابد که خود در جریان فرآیند توسعه به عاملانی اثربخش برای ایجاد تغییر و دگرگونی مبدل شوند. باید توجه داشت در تحلیل و طراحی استراتژی‌های سازگار، شرایط برای زنان و مردان متفاوت است. بنابر این، مشکلاتی که پیش روی زنان است باید موردتوجه قرار گیرد. همچنین با توجه به این نکته که مشکلات موجود در جامعه روستایی و بخش کشاورزی بر جامعه زنان روستایی تأثیرگذار است و آنان را با تنگناهایی جدی مواجه می‌کند، بی‌تردید، تأثیر سیاست‌ها و جلب مشارکت زنان برای توسعه کشاورزی در گرو نحوه تدوین سیاست‌ها و اجرای آن‌ها می‌باشد، چراکه سیاست‌های کشاورزی و غذایی در سطح ملی بر توانایی زنان در همکاری با امنیت غذایی خانوار تأثیر می‌گذارد. بنابراین، آگاهی از مسئله پایداری و تداوم امنیت غذایی، سواد تغذیه‌ای، توانمند نمودن زنان روستایی، از مؤلفه‌های اصلی راهبردهای امنیت غذایی هستند که در این راه، ارتقای مقام زنان و نقش فعال آنان در کسب درآمد و تصمیم‌گیری برای تقسیم منابع خانوار یک راهبرد مثبت و قاطع، در جهت بهبود امنیت غذایی خانوار، تأمین نیازهای بهداشتی و تغذیه‌ای اعضای و معیشت پایدار خانوار تلقی می‌گردد.

## مراجع

- آگهی، حسین. (۱۳۸۴). نقش تعاونی‌ها در بهبود موفقیت زنان در فرایند توسعه. مجموعه مقالات منتخب کنفرانس تعاون، اشتغال و توسعه، اردیبهشت ۱۳۸۴، یزد، دانشگاه یزد، صص ۵۱-۶۴.
- ازکیا، مصطفی، و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی.
- براتی، ع. و یعقوبی، ج. (۱۳۸۲). جنسیت و امنیت غذایی. جهاد، شماره ۱۱۴: ۲۸.
- پیشوایی، حسین و فریدین، هلنا. (۱۳۸۰). کشاورزی ایران، بحران یا امنیت غذایی. نشریه: به کام، شماره ۱۴۸، ص ۱۸.
- خضری، محمد. (۱۳۸۲). امنیت غذایی و امنیت ملی، مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی. تهران: موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، مدیریت امور پردازش و تنظیم یافته‌های تحقیقاتی، ۱۷۴ صفحه.
- دفتر امور زنان ریاست جمهوری و یونسف. (۱۳۷۲). نقش زنان در توسعه. تهران: انتشارات روشنگران.
- دوتا، داس، مانجو. (۱۳۷۹). بهبود کارایی و مناسب بودن فعالیت‌های ترویج کشاورزی برای زنان کشاورز (ترجمه سید جمال فرج اله حسینی) تهران: نشر آموزش کشاورزی.
- دینی ترکمانی، علی. (۱۳۷۷). تأمین حداقل نیازهای خانوار باید هدف درست باشد. جهان اقتصاد، شماره، ص ۳۴.
- سازمان تحقیقات سیاست‌های جهانی غذا. (۱۳۷۶). بررسی امنیت غذایی و عرضه غذا در جهان. مترجم: مالمیر، پ. تهران: وزارت کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و پشتیبانی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصادی کشور.
- شمس، کوروش. (۱۳۷۷). احقاق حقوق زنان، مساویست با امنیت غذایی جهان. صبح خانواده، شماره ۸۰، ص ۲۳.
- شیخ‌الاسلام، ربابه (۱۳۸۰). امنیت غذایی پایدار یا گرسنگی پایدار. نشریه: همشهری، شماره ۱۱۶.
- صدیقی، پرناز. (۱۳۷۷). زنان کلید امنیت غذایی. مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۸۳، ۱۴۳-۱۵۷.
- علیرضائزاد، سهیلا. و بنی‌هاشم، فروغ. (۱۳۹۱). جنسیت و توسعه: نگاهی به تحولات جمعیت‌شناختی مناطق روستایی کشور. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره دوم، صص ۸۱-۹۳.
- عمادزاده، مصطفی و بختیاری، صادق و نصراللهی. خدیجه. (۱۳۸۰). تحلیلی از وضعیت امنیت غذایی در ایران. مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه نامه اقتصاد و مدیریت. صص ۱۰۱-۱۲۲.
- فنی، زهره (۱۳۷۶). ساختار مشارکت زنان در توسعه کشاورزی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. تهران: موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، دوره ۵. شماره ۱۹.
- کلانتری، خلیل (۱۳۷۸). سخنرانی دکتر کلانتری، در مراسم مدیر نمونه برای کشاورزان نمونه، ۱۳ بهمن ۱۳۷۸، نشریه: جهاد، شماره ۶۳.
- لهاسایی زاده، عبدلعلی، جهانگیری، جهانگیر و خواجه‌نوری، بیژن. (۱۳۸۴). بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی استان فارس). مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۳، صص ۱۲۴-۱۴۵.
- مرادی، گیتی. (۱۳۸۸). نقش زنان در فرایند توسعه روستایی. صدای تالش، شماره ۶۶ و ۶۷، صص ۱۳-۱۵.
- موحدی، رضا. (۱۳۸۱). کشاورزان زن و اثربخشی فعالیت‌های ترویجی. جهاد، شماره ۲۴۸ و ۲۴۹، صص ۴-۱۱.
- میرزایی، مهنوش. و شهیدی، کاوه. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر حضور زنان روستایی در فعالیت‌های آموزشی و ترویجی کشاورزی (مطالعه موردی شهرستان‌های بافت و زرنده استان کرمان). توسعه و بهره‌وری، شماره ۳ و ۴، صص ۱-۱۱.
- الوانی، مهدی. و زرغامی فرد، مژگان. (۱۳۸۰). نقش زنان در توسعه. تدبیر، دوره ۱۲، شماره ۱۱۳، صص ۶۶-۶۳.
- Abdel Aal, M. (2002). Research on woman's work in Agriculture. The social Research center. P: 1-3. [on line]: available at url :<http://www.fao.org/woman land.>

- 
- Chen, R.S and kates, R.w. (1994). World food security: prospects. Food. Policy, 19(2), 192-208.
  - FAO (1990). Assessment of the world food security situation. Committee on world food security. P: 1-9. [on line]: available at url: [http: // www. fao. Org / sd/ dim – kn3 / kn3 – 040301 – en. Html].
  - FAO (2011). The Vital Role Of Women In Agriculture And Rural Development. 25 June 2 July 2011. Thirty Seventh Confrance Of FAO. Document . www.fao.org/docrep/meeting/o22/mbo54
  - Helmore, K. and N. Singh (2001) Sustainable Livelihoods: Building on the Wealth of the Poor. Bloomington, CT: Kumarian Press.
  - Torres, A. T. (1989). Women's participation in countryside development : gender analysis of rural development programs Quezon city: center for integrative and development studies. Journal of Extension, vol 6, No 5, pp 32-40.
  - Torres, A. T. (1989). Women's participation in countryside development : gender analysis of rural development programs Quezon city: center for integrative and development studies. Journal of Extension, vol 6, No 5, pp 32-40.
  - World Bank (2002). Empowerment and poverty reduction – A sourcebook. Washington D.C .
  - World Bank (2009) Gender in Agriculture. Sourcebook. The World Bank. Fao and Ifad.